

فصلنامه علمی - تخصصی

میراث‌شناسی اسلامی

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
(صفحات ۷۵-۱۰۲)

## نگرشی تطبیقی به فرهنگ‌نامه‌های تخصصی کلام اسلامی، نقاط قوت و ضعف

\* سید/یوب هاشمی سی سخت

\*\* عنایت شریفی

### چکیده

با افزایش روزافزون حجم اطلاعات بشری در زمینه‌های گوناگون، پژوهندگان در دست‌یابی به اطلاعات کافی و مفید در بازه زمانی کوتاه، در هر یک از موضوعات مورد نظر خویش، دچار مشکل شدند. تدوین «منابع مرجع» مانند فرهنگ‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌ها، یکی از چاره‌اندیشی‌های بشر برای رفع این مشکل بوده است. این نوشتار به بررسی و ارزیابی مهم‌ترین فرهنگ‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌هایی می‌پردازد که از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ش در حوزه کلام اسلامی نگارش یافته و در دسترس محققان قرار گرفته است. پیش از ورود به ارزیابی هر یک از این آثار، درباره بعضی از منابع مرجع، از جمله لغت‌نامه‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌ها و تفاوت‌های آنها و نقش‌ها و کارکرد هر یک در ارتقای دانش بشری توضیحاتی مختصر داده شده است، آن‌گاه به بحث اصلی؛ یعنی ارزیابی فرهنگ‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌های کلامی و نقاط قوت و ضعف آنها پرداخته شده است. تعداد این منابع، اعم از فارسی و عربی پنج تا است. در پایان، یکی دیگر از منابع فرهنگ‌نامه‌ای کلام اسلامی که در آینده نزدیک انتشار می‌یابد، معرفی و به امتیازات آن اشاره شده است.

### کلیدواژه‌ها

منابع مرجع، واژه‌نامه، فرهنگ‌نامه، اصطلاح‌نامه، دانشنامه، فرهنگ‌نامه‌های کلام اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

\* محقق و کارشناس فرهنگ‌نامه پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی (نویسنده مسئول)

sa.hashemi@sca.ac.ir

enayatsharifi@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

افزایش روزافزون حجم اطلاعات در حوزه‌های مختلف دانش‌های بشری موجب گشته تا نویسندگان برای دسترسی پژوهندگان به اطلاعات مورد نیاز خود در کمترین زمان ممکن، چاره‌اندیشی‌هایی کنند که یکی از آنها ایجاد «منابع مرجع» است. این منابع را که با توجه به عصر فناوری و نشر الکترونیک از طریق شبکه‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایت‌ها بازیابی می‌شوند یا به صورت دیسک فشرده لیزری عرضه می‌شوند (وزیرپور کشمیری، ۱۳۸۶: ص ۵)، می‌توان چنین تعریف کرد: «منابعی به صورت چاپی یا الکترونیکی هستند که مراجعه‌کننده یا کاربر در صورت نیاز به منظور کسب اطلاعات به آنها مراجعه کرده و تنها از بخشی که به اطلاعات مورد نیاز وی پاسخ می‌دهد، استفاده می‌کند» (همان). وجود منابع مرجع موجب توانمندی افراد جامعه در دسترسی به اطلاعات مفید و لازم و در نتیجه پیشرفت و تعالی در ابعاد مادی و معنوی آن جامعه می‌گردد؛ از همین رو گفته شده است: «آنچه توقع داریم نظام آموزشی برای نسل آینده انجام دهد، این است که آنها را در یافتن اطلاعاتی که لازم دارند، توانمند سازد. بر اساس این هدف است که مرجع، جوهر یادگیری و کتاب‌های مرجع یکی از ابزار یادگیری تلقی می‌شوند» (جرالد جهودا، ۱۳۸۳: ص ۷۱).

وجود مجموعه‌ای از کتاب‌های مرجع در هر خانواده ضروری است؛ چون هر فرد از اجتماع برای ثمررسانی به خود و اجتماع باید به آموزش خویش ادامه دهد؛ چه سلامت و امنیت مردم به خط و مشی‌های سیاسی دولت وابسته است و خط مشی‌های مناسب از ذهن مردمانی با اطلاع سرچشمه می‌گیرد (همان: ص ۷۱-۷۲). منابع مرجع دو دسته‌اند: مراجع دست اول که پژوهنده با مراجعه مستقیم به آنها پاسخ پرسش خویش را می‌یابد، مانند دائرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، سالنامه‌ها و مراجع دسته دوم یا رابط که به جای پاسخگویی مستقیم به پرسش مراجعه‌کننده، وی را به منابع دیگری ارجاع می‌دهند، مانند کتاب‌شناسی‌ها، نمایه‌نامه‌ها، چکیده‌نامه‌ها (احمدی گیوی، ۱۳۷۳: ص ۱۷؛ وزیرپور کشمیری، ۱۳۸۶: ص ۵). هر یک از منابع دسته اول برای هدف خاصی تولید می‌شوند. از آنجا که موضوع این مقاله «فرهنگ‌نامه‌های کلام اسلامی» است، شایسته است ابتدا به فرهنگ‌نامه و چند عنوان مرجع دیگر که قرابت بیشتری با آن دارند و گاهی برخی از آنها

به جای دیگری به کار می‌روند، اشاره کنیم و شباهت‌ها، تفاوت‌ها و کارکرد آنها را تبیین کنیم.

### الف) برخی از مراجع دست اول و کارکرد هر یک

۱. لغتنامه: کتابی که شامل لغات یک زبان است (عمید، ۱۳۸۳، ج ۳: ص ۳۶۰۲؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۶: ص ۵۳۴۶)؛ به عبارت دیگر لغتنامه (واژه‌نامه، فرهنگ لغات، فرهنگ واژه‌ها) کتابی است که معانی لغات یک زبان در آن توضیح داده شده و معمولاً به املا و تلفظ هر واژه نیز اشاره شده است (سلطانی و راستین، ۱۳۸۱: ص ۲۴۰). برخی از لغتنامه‌های فارسی عبارت‌اند از: فرهنگ آندراج، برهان قاطع، فرهنگ ناظم الاطباء، فرهنگ معین، فرهنگ عمید و لغتنامه‌های عربی مانند تاج العروس، معجم مقاییس اللغة العربیه، لسان العرب، المحيط و المنجد.

۲. اصطلاح‌نامه: معادل «thedaurus» در زبان لاتین، مجموعه اصطلاحات گزیده شده و نظام‌یافته در یک حوزه خاص از معرفت بشری است که بین آنها روابط معنایی و رده‌ای یا سلسله‌مراتبی (ترادف، اعم، اخص و...) برقرار است و توانایی آن را دارد که موضوع آن رشته را با تمام جنبه‌های اصلی و فرعی و وابسته به شکلی نظام‌یافته و به قصد ذخیره و بازیابی اطلاعات و مدارک و مقاصد جنبی دیگر عرضه کند. اصطلاح‌نامه منبع و مرجعی است که هر یک از اجزای آن کلیدی برای گشودن و بازیابی اطلاعات انباشته شده و انبوه در رایانه است. واحد تشکیل‌دهنده اصطلاح‌نامه، اصطلاحاتی است که هر یک دارای بار معنایی خاصی در یک علم است و می‌تواند اسم شیء، شخص، مکان، زمان، مفاهیم علمی یا موضوعات باشد (یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۵: ص ۳۰-۳۱). از پیدایش نخستین اصطلاح‌نامه تاکنون زمان زیادی نمی‌گذرد.

تفاوت اصطلاح‌نامه با فرهنگ لغت این است که در فرهنگ لغت، چنان‌که اشاره شد، معمولاً تعریف واژه‌ها و کاربردهای آنها به دست می‌آید، برخلاف اصطلاح‌نامه که ذیل اصطلاح هیچ تعریفی ارائه نمی‌شود، بلکه اصطلاحات به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که نشان‌دهنده انواع روابط معنایی میان آنها است؛ یعنی ابتدا اصطلاح اصلی و مرجع یک علم خاص می‌آید، آن‌گاه اصطلاحاتی که در آن علم با آن مترادف‌اند اما نسبت به اصطلاح

مرجع رواج کمتری دارند، به ترتیب الفبا می‌آیند؛ سپس اصطلاح یا اصطلاحاتی که از نظر معنایی اعم آن هستند، آورده می‌شوند و در ادامه اصطلاحات اخص آن و در پایان اصطلاحاتی که به گونه‌ای با آن مرتبط و وابسته‌اند، می‌آیند.

۳. فرهنگ‌نامه: اسم نوعی کتاب «مرجع» متشکل از تعداد زیادی «مدخل»،<sup>۱</sup> معمولاً به ترتیب الفبایی با یک یا چند زبان که در آن به ازای هر مدخل شرح مختصر یا واژگان معادل و اطلاعات متناسب با آن داده می‌شود (محمدی‌فر، ۱۳۷۶: ص ۱۸۲).

۴. دانشنامه (دائرةالمعارف، موسوعه)<sup>۲</sup>: دانشنامه اسم نوعی کتاب «مرجع» است که در آن به ازای هر «مدخل» یک مقاله در حد چند سطر تا چند صفحه اختصاص داده می‌شود.

برخی میان دانشنامه و دائرةالمعارف تفاوت گذاشته و دانشنامه را اثری که حاوی اطلاعات به صورت مقاله در بخش خاصی از دانش بشری تعریف کرده‌اند؛ اما حوزه اطلاعات دائرةالمعارف را نامحدود و شامل همه دانش‌های بشری دانسته‌اند (راستین و سلطانی، ۱۳۸۱: ص ۱۴۶)؛ اما به نظر می‌رسد میان این دو، تفاوتی وجود ندارد؛ چنان‌که بعضی به مترادف بودن آنها تصریح کرده‌اند (آذرنوش، ۱۳۷۹: ص ۷۴۸؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ص ۷). معادل دائرةالمعارف در زبان انگلیسی «encyclopedia» است (حییم، ۱۳۸۷: ص ۲۵۷؛ کس، ۱۳۸۴: ص ۸).

درباره تفاوت دانشنامه با فرهنگ، از عبارات بعضی چنین برمی‌آید که مترادف واژه‌نامه را «فرهنگ» دانسته‌اند و هرگونه توضیح و شرح و تفصیل درباره معارف بشری را «دائرةالمعارف» تعریف کرده‌اند (احمدی‌گیوی، ۱۳۷۳: ص ۳۵)؛ اما بعضی تفاوت آن دو را در این دانسته‌اند که شرح مدخل در فرهنگ کوتاه است؛ اما در دانشنامه، مفصل و در حد یک مقاله است (محمدی‌فر، ۱۳۷۶: ص ۲۰۱). در واقع دانشنامه یا دائرةالمعارف تفاوتی با

۱. مدخل در فرهنگ‌نامه و دانشنامه، هر اصطلاحی است که دارای بار اطلاعاتی در یک علم خاص است. مدخل‌ها دو قسم‌اند: مدخل‌های اصلی که اطلاعات، ذیل آنها قرار می‌گیرد و مدخل‌های ارجاعی که با علامتی چون «رک:» (رجوع کنید) به یک یا چند مدخلی اصلی ارجاع داده می‌شوند که توضیحات و اطلاعاتی درباره آن به دست می‌دهند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ج ۱: ص ۲۳).

۲. موسوعه اصطلاح عربی تازه تأسیس است که به معنای دانشنامه، دائرةالمعارف و فرهنگ‌نامه است (جمعی از متخصصین، ۱۴۲۸: ج ۲: ص ۲۲۰۸؛ آذرنوش، ۱۳۷۹: ص ۷۴۸).

فرهنگ‌نامه، جز اجمال و تفصیل ندارد؛ یعنی فرهنگ‌نامه شرح اجمالی معارف بشری و دانشنامه شرح تفصیلی آن است.

اگرچه در تعریف بالا میان فرهنگ با دانشنامه فرق گذاشته شده است، حقیقت این است که نمی‌توان وجه افتراقی برای این دو نوع مرجع تعیین کرد؛ چه اینکه با مراجعه به عناوین فرهنگ‌ها، گاهی کتاب‌های لغت که در آنها صرفاً به معادل‌های واژه‌ها و املا و تلفظ آنها اشاره شده، مراد بوده است، مانند فرهنگ معین و فرهنگ عمید، فرهنگ لاروس. از سوی دیگر گاهی در ذیل مدخل‌ها مطالب آن‌چنان گسترده و مفصل آمده‌اند که مشخص می‌کند فرهنگ‌نامه به معنای دانشنامه گرفته شده است، مانند فرهنگ ادبیات جهان و فرهنگ جامع جواهرشناسی؛ چنان‌که در برخی از آثار که عنوان دانشنامه دارند، شرح ذیل بعضی از مدخل‌ها بسیار مختصر و تا کمتر از یک سطر آمده است، مانند دانشنامه جرم‌شناسی، دانشنامه ادبیات و دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی و بسیاری از دانشنامه‌ها.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان همه کتاب‌های مرجع در انواع بالا را از نظر محتوا به دو دسته تقسیم کرد: کتاب‌هایی که صرفاً به معنای لغوی و انواع کاربردهای یک لغت و چگونگی تلفظ آن و گاه ریشه هر لغت اشاره کرده‌اند (لغتنامه‌ها) و دوم کتاب‌هایی که هدف از آنها به‌دست‌دادن اطلاعاتی هرچند مختصر (مانند معنای اصطلاحی و حتی گاهی معنای لغوی، تاریخ، کیفیت و کمیت، دیدگاه‌ها، انواع و اقسام، آثار و پیامدها) درباره هر مدخل بوده است (دانشنامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها). وجه اشتراک دانشنامه با فرهنگ‌نامه این است که هر دو گزارشی هستند؛ یعنی نویسندگان، محتوای مقالات را از آثار مختلف، اعم از نوشته‌های گذشته و حال گرفته‌اند و به‌صورت منظم در یک مجموعه گردآوری و عرضه کرده‌اند. در فرهنگ‌نامه‌ها و دانشنامه‌ها تمام سعی و تلاش این است که همه اطلاعات راجع به یک اصطلاح یا مدخل به‌طور فشرده ارائه گردد. اگر بخواهیم میان دانشنامه و فرهنگ‌نامه تفاوتی بگذاریم، می‌توان گفت: تعداد مقالات دانشنامه‌ها کمتر از فرهنگ‌نامه‌ها است؛ اما به دلیل استفاده از تکنیک‌های مختلف ارجاع‌دهی در دانشنامه‌ها و نیز وجود یک نمایه یا فهرست راهنمای مفصل در انتهای آن، دستیابی به مجموعه بزرگی از اصطلاح‌ها و واژگان تخصصی و غیرتخصصی امکان‌پذیر است (همان: ص ۲۰۲).

### ب) فرهنگ‌نامه‌ها و دانشنامه‌های کلام اسلامی، نقاط قوت و ضعف

مانند دیگر فرهنگ‌نامه‌های تخصصی علوم مختلف، تاکنون فرهنگ‌نامه‌هایی در خصوص حوزه علم کلام نگاشته شده است. بدیهی است اگرچه این فرهنگ‌نامه‌ها هر یک در جای خود مفید و قابل استفاده برای جوینگان دانش‌اند، بدیهی است حتی بهترین منابع مرجع نیز، چه منابع چاپی و چه الکترونیکی، بدون خطا نیستند (کتس، ۱۳۸۴: ص ۴۰) و این به هیچ وجه از ارزش آنها نمی‌کاهد؛ بنابراین بررسی و ارزیابی هر اثر علمی و اشاره به اشکال‌ها و کاستی‌های احتمالی آن برای دو منظور مفید است و شایسته است هر صاحب اثری از آن استقبال کند: ۱. رفع این اشکال‌ها و نقص‌ها و در نتیجه تکامل و ارتقای آن اثر برای استفاده بیشتر و مفیدتر مراجعان در چاپ‌های بعدی در کنار برجسته کردن نقاط قوت آن؛ ۲. آینه راهنما برای کسانی که می‌خواهند در آن زمینه فعالیت داشته باشند. فرهنگ‌نامه‌ها نیز نه تنها از این امر مستثنا نیستند که اهمیت این کار در آنها نسبت به دیگر آثار دوچندان است. ارتقای سطح فرهنگ‌نامه‌نویسی و تدوین فرهنگ‌نامه‌های جامع از حیث شکل و محتوا از رهگذر نقد و ارزیابی فرهنگ‌نامه‌های موجود حاصل می‌شود.

در این مقاله سعی شده است با چشم‌پوشی از تفاوت فرهنگ‌نامه با دانشنامه و نظر به اشتراک‌های آنها، آثاری از این دو نوع مرجع که در زمینه علم کلام اسلامی تدوین شده‌اند، به ترتیب تاریخ نشر، نقد و ارزیابی شوند؛ بنابراین از کتاب شرح المصطلحات الکلامیه گرفته - که توضیحات ذیل مدخل‌ها گاهی بسیار مختصر آمده - تا دانشنامه کلام اسلامی که مطالب ذیل مدخل‌ها عموماً به صورت تفصیلی آمده، ارزیابی خواهند شد.

#### ۱. فرهنگ علم کلام

این کتاب که نویسنده آن احمد خاتمی است، در سال ۱۳۷۰ش به زبان فارسی تألیف شده است. مؤلف آن ابتدا کلیاتی در باب علم کلام مطرح کرده است که شامل تعریف علم کلام، موضوع علم کلام، فایده و هدف علم کلام، آغاز پیدایش علم کلام، وجه تسمیه آن و تفاوت کلام و فلسفه می‌شود. در ادامه اشاره‌ای به مذاهب مرجئه، اشاعره، معتزله و شیعه کرده و تاریخ و منشأ پیدایش آنان و عقاید هر گروه و فرقه‌های آنها را بیان کرده است. پس از این مطالب، بحث اصلی مطرح شده است که در آن هر یک از

اصطلاحات با توضیحات آنها به ترتیب حروف الفبا آمده است. در پایان، معادل انگلیسی برخی از اصطلاحات، فهرستی از نام‌ها و اصطلاحات که در جاهای مختلف به آنها اشاره شده با ذکر صفحه جمع‌آوری شده و در نهایت فهرست منابع و مآخذ کتاب آمده است. این کتاب در تاریخ ۱۳۷۰ ش منتشر شده است. تعداد مدخل‌های آن حدود ۱۰۰۰ اصطلاح است.

### ملاحظات

این کتاب از این جهت که اطلاعاتی مختصر درباره بعضی اصطلاحات کلامی برای عموم به دست می‌دهد، در حد خود و در زمانی که اثری از فرهنگ‌نامه‌های کلامی به زبان فارسی وجود نداشت، مفید بود و با مقداری دقت بیشتر و صرف زمان وسیع‌تر در تدوین آن، می‌توانست پربارتر باشد. نگارنده مقاله حاضر سعی کرد به چاپ جدیدی از این کتاب، به این امید که تا حدی نقص‌های آن برطرف شده باشد، دست یابد که به نتیجه نرسید. به نظر می‌رسد یک بار بیشتر چاپ نشده است؛ بنابراین آنچه درباره این کتاب گفته می‌شود، مربوط به چاپ اول است. در ذیل به برخی از کاستی‌ها و نقص‌ها اشاره می‌شود.

### منابع

تعداد منابع مورد استفاده در این فرهنگ‌نامه حدود ۷۰ منبع است که البته منابع دست اول کلامی بسیار کم‌اند (حدود ده منبع) و اصولاً بیشتر منابع آن غیر کلامی‌اند. در مواردی هیچ‌یک از مآخذ اصطلاحات، کتاب کلامی نیستند؛ مانند اصطلاح «بغاة» که تنها سند آن شرح لمعه است (خاتمی، ۱۳۷۰: ص ۷۹).

### مدخل‌ها

۱. بعضی از مدخل‌ها کلامی نیستند، مانند امهات مطالب، ام القرآن، تحصیل حاصل، تداعی معانی، تخلی، ترجیح، تفسیر، تعریفات، تقابل، بحث، اضافه، تالی، سیناء، صبر، صفاء، صوم، صلاة، طابق النعل بالنعل، طوعاً او کرهأ، عجب، فظ، فیه تأمل، قداح و... . ممکن است علت وجود این همه اصطلاح غیر کلامی این باشد که بیشتر منابع این کتاب، چنان که اشاره شد، غیر کلامی‌اند.

۲. گذشته از مدخل‌هایی که کلامی نیستند و در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد، حجم زیادی از کتاب را فرقه‌های کلامی اشغال کرده‌اند، به طوری که اگر عنوان کتاب «فرهنگ اصطلاحات و فرق کلامی» می‌بود، مناسب‌تر بود.

۳. شایسته بود بعضی از مدخل‌ها به عنوان مدخل‌های ارجاعی گرفته می‌شدند و مطالب ذیل آنها به مدخل دیگری ارجاع داده می‌شد. در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

آکل و مأکول: آنچه ذیل این مدخل آمده است توضیح یکی از شبهات معاد جسمانی و پاسخ‌های آن است (همان: ص ۴۳)؛ بنابراین بهتر این بود که «شبهه آکل و مأکول» به عنوان مدخل بیاید، آن‌گاه این مدخل (آکل و مأکول) به آن ارجاع داده می‌شد.

اصنام: بیشتر مطالب آن درباره بت پرستی است (همان: ص ۶۲). روشن است بت و بت پرستی اگرچه با هم مرتبط‌اند، مفهوماً متفاوت‌اند؛ بنابراین لازم بود یا اصطلاح «بت پرستی» نیز به کار گرفته می‌شد و به اصنام ارجاع داده می‌شد یا راجع به خود بت و انواع آن و دیگر مطالبی که درباره بت و صنم است، اطلاعات بیشتری به خواننده داده می‌شد؛ افزون بر اینکه مدخل دیگری به نام «صنم» نیز وجود دارد و توضیحاتی ذیل آن آمده (همان: ص ۱۴۹) که در این مورد لازم بود به اصنام ارجاع داده می‌شد.

### محتوای مقالات

محتوای مقالات از جهاتی بدون نقص نیستند. در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود:

الف) اشتباهات محتوایی؛ مانند موارد زیر:

۱. آثار علوی: «یکی از اصول علم طبیعی است» (همان: ص ۴۳). آثار علوی اصول علم طبیعی نیستند، بلکه حوادثی مانند رعد و برق، باران و برف هستند که وجود خارجی دارند و در بخش طبیعیات از فلسفه از آنها بحث می‌شد و به آنها «کائنات الجوّ» نیز گفته می‌شود (صدر الدین شیرازی، ۱۴۲۲ق: ص ۱۹۸).

۲. آخرت: «به معنای روز بازپسین به کار رفته است... موضوع علم آخرت بحث در مسائل مربوط به نهایت عالم است» (خاتمی، ۱۳۷۰: ص ۴۳). در این عنوان نیز آخرت که یک واقعیت عینی است با علم آخرت یا معادشناسی یکسان انگاشته شده است.

۳. احباط: در لغت به معنی از بین رفتن و فاسد شدن است (همان: ص ۵۲). احباط از باب



افعال و به معنای ازبین بردن و زایل ساختن است، نه ازبین رفتن.

۴. اضلال: «یعنی گمراه کردن. مأخوذ از اصول شرعی است. در قرآن مجید است «إن الله يضل من يشاء» و در روایت است «ان الله اضل من شاء من خلقه و جعل صدورهم ضيقه» (همان: ص ۶۴). چنین روایتی یافت نشد. ظاهراً عبارت بالا برگرفته از این آیه قرآن است: «وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يُجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا» (انعام: ۱۲۵).

۵. جلال: «از نام‌های خدا است. بزرگی قدر» (خاتمی، ۱۳۷۰: ص ۹۵). مشهور این است که «ذوالجلال» از اسمای الهی است؛ بنابراین بهتر بود اصطلاح «ذوالجلال» به کار گرفته می‌شد.

۶. فعل خدا: «مقصود از فعل خداوند، قدرت او بر آفریدن تمام اشیا است» (همان: ص ۱۷۵). در این تعریف فعل الهی به قدرت الهی که یکی از صفات او است، ارجاع داده شده که صحیح نیست. فعل خداوند عبارت است از آنچه در عالم خارج ایجاد کرده و تشریحات و اوامر و نواهی او است.

۷. اجوف: «این اصطلاح را متکلمان جهت بیان و توجیه و تأویل کلمه صمد در آیه الله الصمد وارد در معقول کرده‌اند» (همان: ص ۵۳). اجوف اصطلاح کلامی نیست و آن را متکلمان مطرح نکرده و درباره آن سخنی نگفته‌اند.

ب) توضیح ناکافی: در موارد فراوانی، توضیحات بسیار مختصر و ناکافی هستند، مانند:

۱. اجماع: در این باره ضمن اشاره به دو معنا برای اجماع گفته شده است: اجماع معنی دوم یکی از حجج‌های شرعی است. از پیامبر ﷺ منقول است: «لم یکن الله لیجمع امتی علی ضلال و در روایت دیگر: امتی لا تجتمع علی الخطاء او علی الضلالة» (همان: ص ۵۱-۵۲). در توضیحات این مدخل هیچ اشاره‌ای به مبنای حجیت اجماع از نظر شیعه نشده و صرفاً به این دو حدیث که اهل سنت روایت کرده‌اند، اشاره شده است.

۲. ابلیس: توضیح این اصطلاح با این عبارت شروع شده است: «و این یکی از مسائلی است که برخی از فلاسفه مانند صدرالدین مورد بحث قرار داده‌اند...» (همان: ص ۴۷). آنچه در این باره آمده، فقط بریده‌ای از ترجمه دو سند فلسفی و عرفانی است و اشاره‌ای به معنای ابلیس، جنس این موجود و خلقت آن، سبب رانده شدن او از درگاه خداوند و بسیاری مطالب دیگر نشده است.

۳. تکفیر: «تکفیر نسبت به کفر دادن است و اطلاق می‌شود بر گذاردن دو دست بر روی دیگری در حال نماز، که در نزد شیعه مبطل نماز است مگر در حال تقیه، هنگامی که در مجمع اهل تسنن باشند» (همان: ص ۸۶). در اینجا به دو معنای تکفیر که یکی از آنها معنای فقهی است، اشاره شده و به معنای سوم (بحث احباط و تکفیر) یعنی پوشاندن برخی گناهان به واسطه عمل نیک هیچ اشاره‌ای نشده است.

### نشانی منابع

۱. مطالب بسیاری از کتاب بدون سند است، مانند آباء سبعة، آباء علوی، آثار علوی، آخشیج، آذرباد مهرسپندان، آغاخانیه، اجتماع، اختلاف، اراده تشریحی، اراده تکوینی، اراده، صدیق، صوفیانه، اضطرار، افعال بندگان، استدراج، سور و سواد اعظم.
۲. نشانی‌ها گاهی ناقص‌اند یا صرفاً نام کتاب آمده است؛ مانند مدخل «بحث» که در آن به التعریفات جرجانی ارجاع داده شده است (همان: ص ۷۵)، «حشر» که به کشف المراد بحث معاد ارجاع داده شده و همین‌طور مدخل‌های دخان، رحمت و دیگر موارد.

### اشکال‌های تائیدی و صوری

این اشکال‌ها فراوان‌اند و به جهت رعایت اختصار به یک مورد اکتفا می‌کنیم: «و امامیه پیروان ائمه را گویند، «امامیه اثنا عشریه» پیروان مذهب جعفری هستند که معتقد به دوازده امام‌اند بعد از حضرت رسول، و گویند امامت ریاست عامه دینی است» (همان: ص ۶۸).

### ۲. شرح المصطلحات الکلامیة

این اثر به همت گروه کلام و فلسفه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تدوین و در سال ۱۴۱۵ ق منتشر شده است. تعداد منابع مورد استفاده در این فرهنگ‌نامه ۸۵ عنوان و بیش از ۱۱۰ مجلد است که از مهم‌ترین منابع کلامی است. در این اثر تنها به ذکر تعریف هر اصطلاح (در قالب حدّ یا رسم) از متن اصلی منابع، بی‌هیچ تصرفی اکتفا شده است؛ برای مثال اگر تعریفی از کتاب گوهر مراد نقل شده، به همان صورت فارسی آمده است؛ البته قریب به اتفاق منابع، عربی‌اند. ضمناً در مواردی که صحت جمله یا کلمه‌ای از

نسخه موجود متن، مورد تردید مؤلفان بوده است، صورت درست آن در پاورقی آورده شده است. این کتاب برای کسی که صرفاً در جستجوی معنای اصطلاحی اصطلاحات کلامی است، مفید است و اطلاعات دیگری به دست نمی‌دهد. این کتاب حاوی شرح ۱۴۰۰ اصطلاح کلامی است. در مقدمه گفته شده است برای بعضی از اصطلاحات چندین تعریف آمده است و این به سبب تقدم یا تأخر بعضی از کلمات در تعریف بوده که مؤلف بر اساس انتخابی دقیق انجام داده و موجب تفاوت مفهومی و منطقی تعریف‌ها نیز شده است. افزودن بر اینکه سیر تدریجی این تفاوت تعبیرات در طی سده‌های متمادی با توجه به حوادث تاریخی و غیره، خواننده را به ارتباط آن تعریف‌ها با نوع مسائل سیاسی و اجتماعی آگاه می‌سازد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵ق: مقدمه «ق»<sup>۱</sup>).

از محاسن این اثر کلامی تنوع منابع مهم کلامی مورد استناد، اعم از منابع شیعه و اهل سنت است. ارجاع به اصطلاحاتی که به نحوی با هر مدخل مرتبطاند، در پایان شرح هر مدخل نیز کار خوب و پسندیده‌ای است که به چشم می‌خورد. در مواردی نیز مدخل‌هایی به مداخل دیگر ارجاع کلی دارند. فهرست اصطلاحات در پایان کتاب، همراه با صفحه آنها آورده شده است و البته بهتر بود ابتدای آن می‌آمد.

این کتاب در زمانی که انتشار یافت، در حد خود بسیار مفید بود و هنوز قابل استفاده است؛ اما اینکه خواننده در جستجوی چیزی بیش از صرف تعریف اصطلاح باشد، حاصلی ندارد و اصولاً هدف مؤلفان محترم نیز چیزی بیش از این نبوده است.

### ۳. موسوعة مصطلحات الکلامية

این دانشنامه در دو جلد و نخستین بار در سال ۱۹۹۸ تدوین شده است. نویسنده آن «سمیح دغیم» است. وی موسوعه‌های دیگری چون موسوعة مصطلحات الامام فخرالدین رازی و موسوعة مصطلحات صدرالدین الشیرازی و موسوعة مصطلحات علم المنطق را نیز تألیف کرده است. منابع مورد استفاده در این موسوعه، نزدیک به ۶۰ منبع است و تعداد صفحات آن حدود ۱۶۸۷ صفحه و از این نظر فرهنگ‌نامه‌ای حجیم است.

۱. منظور از «مقدمه «ق»» شماره صفحه در کتاب مذکور می‌باشد که براساس حروف ابجد صفحه‌آرایی شده است.

نویسنده اصطلاحات این فرهنگ‌نامه را از آثار متکلمان اسلامی، از سده دوم تا یازدهم هجری قمری استخراج کرده است. نخستین این متکلمان حسن بصری (۱۱۰ق) و آخرینشان قاسم بن محمد بن علی (۱۰۲۹ق) است؛ البته از متکلمان قرن هشتم هیچ اثری وجود ندارد. تعداد مدخل‌ها در این موسوعه ۱۴۶۵ مدخل است.

### ملاحظات

این فرهنگ‌نامه در کنار محاسنی چون تعداد زیاد مدخل‌ها، چاپ خوب و کاغذ باکیفیت، معایبی دارد که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

### منابع

۱. عدم جامعیت منابع مورد استناد: یکی از کاستی‌های این موسوعه این است که برخلاف تنوع نسبتاً خوب منابع آن، جای آثار کلامی مهم و معروفی چون شرح المقاصد و شرح العقائد النسفیة (تفتازانی)، شرح المواقف (قاضی عضدایجی و سیدشریف جرجانی) و ابکار الافکار (آمدی) خالی است. مهم‌تر اینکه متأسفانه از آثار کلامی «شیعه امامیه» به جز تلخیص المحصل (شیخ طوسی) هیچ اثری وجود ندارد. از آثار «زیدیه» نیز تنها الاساس لعقائد الأکیاس (قاسم بن محمد بن علی) و القلائد لتصحيح العقائد (ابن مرتضی، که بعضی او را معتزلی دانسته‌اند) وجود دارد. این موارد موجب گشته تا جای تعداد زیادی مدخل و اصطلاح کلامی در این موسوعه خالی باشد.
۲. عدم استناد به منابع اصلی: مدخل‌هایی در این موسوعه دیده می‌شوند که برگرفته از دیدگاه خاص مذهبی مانند شیعه‌اند. طبعاً سزاوار این بود که اطلاعات درباره آن، از منابع مختص به آن مذهب استخراج شود؛ برای مثال درباره «رجعت» که از عقاید مختص شیعه است، از الانتصار خیاط و اللمع اشعری مطالبی نقل شده است؛ افزون بر اینکه مطالب عمدتاً در رد این عقیده است، نه توضیح و تبیین آن (سمیح دغیم، ۱۹۹۸م: ج ۱: ص ۶۰۹-۶۱۰) یا درباره عصمت امام، تنها یک عبارت و آن هم از اصول الدین بغدادی نقل شده است (همان: ج ۱: ص ۷۸۹)؛ درحالی‌که حتی در تنها کتابی که نویسنده آن امامیه است (تلخیص المحصل) و جزو منابع این موسوعه به‌شمار می‌رود، به این مسئله اشاره شده است

(خواجه طوسی، ۱۴۰۵ق: ص ۴۱۸). درباره تقیه نیز به طور مفصل مطالبی از منابع مختلف اهل سنت نقل شده که همگی در مقام رد این عقیده است (سمیح دغیم، ۱۹۹۸، ج ۱: ص ۳۴۲) و به منابع فراوان شیعه که این موضوع را مطرح و از زوایای مختلف درباره آن بحث کرده‌اند، حتی به تلخیص المحصل نیز که در آن به این موضوع اشاره شده، مراجعه نشده است (خواجه طوسی، ۱۴۰۵ق: ص ۴۲۲).

### مدخل‌ها

جامع‌نبودن مداخل: اصطلاحات فراوانی را می‌توان برشمرد که در این موسوعه یافت نمی‌شوند؛ برای نمونه مدخل‌هایی که با حرف «الف» شروع می‌شوند. تنها بخشی از آنها عبارت‌اند از: آخرالزمان، آل محمد، آلهه، آیه، ابدان یا بدن، ابدان اصلی، ابدان برزخی، ابد، ابدیت، ابلیس، ابواب جنت، ابواب نار، اتمام دین، اتمام نعمت، اثابه، اثابه مطیع، اثابه عاصی، اثم، اجتماع ثواب و عقاب، اجتماع کفر و ایمان، اجتهاد به رأی، اجر، اجای بالفعل، اجزای اصلی، اجزای غیر اصلی، اجزای غیرمتناهی، اجزای متناهی، اجساد، اجسام لطیف، اجسام نباتی، اجل حیات، اجل طبیعی، اجل غیرطبیعی، احضار روح، احیاء، احیای ابتدایی، اختلاف ادیان، اختیار الهی، اختیار عباد، اختیار بالذات، اختیار معصوم، اختیار ملائکه، ادراک حسی، ادراک عقلی، ادراک الهی، اراده اجمالی، اراده تفصیلی، اراده انسان، اراده بالذات، اراده تشریعی، اراده تکوینی، اراده طولی و اراده عرضی.

عدم مراعات استانداردهای متعارف در مدخل‌گزینی: آنچه در عرف فرهنگ‌نامه‌نویسان و دانشنامه‌نویسان رایج است، این است که اصطلاحی که به‌عنوان مدخل گزینش می‌شود، اسم یا عبارت اسمی است؛ اما در این موسوعه تعداد زیادی مدخل وجود دارد که غیررایج است. مواردی چون فعل، مانند «آمنوا»، «ابتدع»، «اتحد»، «احدث»، «اخبر»، «افعل»، «اخترع الاعراض»، «قدّر»، «استوی»، «اراد» و «انشأ»، صفت، مانند «تألیف مخصوص»، «خاطر اول»، «خاطر ثانی» و «دال». همچنین اضافه اسم به ضمیر، مانند «احوالنا» و «انحصار مقدورنا» یا جمله کامل، مانند «خلق العالم مقصود»، «ارزاق هی لطف فی التکلیف» و مبتدا یا خبر جمله، مانند «دلالة علی انا قادرون» که از این عبارت گرفته شده است: «ثم الدلالة علی انا قادرون هی صفة الفعل» (سمیح دغیم، ۱۹۹۸، ج ۱: ص ۵۸۰) یا مدخل «خبر عن محال ممتنع» که از این

عبارت گرفته شده است: «خبر عن محال ممتنع اما بقضية الحواس و الضرورات او بما قام عليه الحجج...» (همان، ج ۱: ص ۵۳۶).

**ابهام در مدخل:** در موارد زیادی بخشی از متن عبارت تقطیع شده و به عنوان اصطلاح آمده است. اصطلاحات این چنینی آن قدر نامأنوس اند که خواننده هر چند کاملاً با مباحث کلامی آشنا باشد، تا به متن مراجعه نکنند، هیچ تصویری از آن ندارد. اصولاً هیچ پژوهشگری از راه چنین عنوان‌هایی به دنبال دستیابی به اطلاعات مورد نظر خود نیست؛ چون به فرض که شکل اصطلاح را داشته باشند که ندارند، دارای بار کلامی مشخصی نیستند؛ مثل «ادلة بالواصف» که از عبارت «فان المعبر فی باب الادلة بالواصف لا بالاعیان» گرفته شده است (همان، ج ۱: ص ۶۵) و اصطلاحی چون «ادلة لا تختلف شاهداً وغائباً»، «حاجة راجعة الى الفعل»، «سبب للتكليف غير داخل فيه»، «حكم الا الله» و «حكم لوقوعه على وجه».

**اصطلاح‌گیری اشتباه از عبارت:** مانند: «وجه له يجب الفعل» که از عبارت «الوجه الذي يجب له الفعل» (همان، ج ۲: ص ۱۴۳۴) گرفته شده است. به فرض که بتوان از این عبارت اصطلاحی برگرفت، درست این است که گفته شود: «وجه وجوب الفعل». مدخل‌هایی نظیر «وجه له يجب النظر و المعرفة»، «وجه يحسن الايجاب لاجله» و «وجه يحسن عليه من العبد طلب الرزق» همین حالت را دارند.

فراوانی اصطلاحات غیر کلامی: موارد زیادی در این موسوعه آمده است که نمی‌توان آنها را اصطلاح کلامی نامید، بلکه یا جزو حوزه‌های دیگر مانند منطق، فقه و اصول‌اند یا صرفاً واژه‌هایی هستند که به دانش خاصی اختصاص ندارند، مانند بائن، بالغ، بحث، اصطلاح، اوقات، اولویه، بغض، تحت، ترادف، تساوی، تسمیه، جهاد، حاقه، حروف، حطه، حد لفظی، حد ناقص، حد رسمی، حین، خاتم، خاشع، زمان، دال و ذکا. همچنین واژه‌هایی چون ذکرهم، داران، احوالنا، فاعلان، قادرون و مفوضون که دارای ضمیر و علائم تشبیه و جمع‌اند، اصطلاح به‌شمار نمی‌روند.

#### بدنه مقالات

**الف) بی‌نظمی در ساختار بدنه مقالات:** در فرهنگ‌نامه‌ها رایج است که نخست معنای اصطلاحی و گاهی معنای لغوی اصطلاح آورده شود، سپس دیگر مباحث، مانند تاریخچه،

احکام و اقوال. در موسوعه بالا این شرایط رعایت نشده است؛ حتی گاهی هیچ تعریفی از اصطلاح، نقل نشده است، مانند موارد ذیل:

۱. ارواح: بدون اینکه نخست تعریفی از آن ارائه شود، صرفاً به این عبارت بسنده شده که ابراهیم (نظام) گمان می‌کرد ارواح جنس واحد دارند.

۲. ارکان: درباره ارکان چنین آمده: «ان العمل بالارکان عندنا داخل فی مسمى الایمان...» (همان، ج: ۱: ص ۹۳).

۳. استطاعة: توضیح این اصطلاح این گونه شروع شده است: «ان الاستطاعة قبل الفعل و انها باقية فيهم ما بقاها الله تعالى» (همان: ص ۱۰۶)؛ آن گاه پس از نقل سه عبارت از کتاب‌های دیگر به تعریف اصطلاحی آن و پس از بیست عبارت دیگر به تعریف لغوی آن اشاره شده است.

۳. در مورد ابتداء، استدلال، اقامیم، اسم، اشیاء، اصلح، اماره، امام، امر و بسیاری دیگر از اصطلاحات نیز همین گونه برخورد شده است.

ب) عدم جامعیت فرق و مذاهب: گاهی برخی از فرق و مذاهب به‌عنوان اصطلاح آمده‌اند، مانند جهمیة، اصحاب الحدیث، شیعه، سنی موحد. با آوردن این فرقه‌ها، مذاهب و فرقه‌های مهم و زیادی وجود دارد که لازم بود آورده می‌شدند؛ مانند اسماعیلیه، اشاعره، اهل سنت، ماتریدیة، شیعه اثنی عشریه، زیدیه و...

ج) عدم استفاده از سیستم ارجاع: در این موسوعه به هیچ وجه از روش ارجاع استفاده نشده و این موجب شده تا در موارد فراوانی عبارات تکرار شوند یا راجع به یک موضوع به‌صورت پراکنده و در چند جا عباراتی نقل شود؛ مانند «ثنیا» که گفته شده به معنای «ارجاء» است. موارد دیگر مثل دلیل و برهان، حین و زمان. حتی اصطلاحات مفرد به جمع ارجاع داده نشده‌اند یا عکس آن، جمع به مفرد ارجاع داده نشده است، مانند ابدال و بدل، احداث و حدث، آجال و اجل، احکام و حکم، اخبار و خبر، ادراکات و ادراک، ارادات و اراده، ارزاق و رزق... که همه اینها به‌عنوان اصطلاحات مدخل آورده شده‌اند.

#### ۴. فرهنگ شیعه (کلام)

این کتاب در پژوهشکده تحقیقات اسلامی تهیه شده و در سال ۱۳۸۵ ش در یک جلد و

۵۱۷ صفحه انتشار یافت. در این فرهنگ‌نامه، سیاست پژوهشگر بر این بوده است که ذیل مدخل‌ها موضوعات و اصطلاحات کلامی به صورت مختصر تبیین و تحلیل شوند. تعداد مدخل‌ها حدود ۷۰۰ عنوان است که بر اساس نظام الفبایی چیده شده است و فهرست مداخل در ابتدای کتاب آمده است.

این اثر به منظور آشنایی مخاطب با نظر رایج و غالب شیعه درباره موضوعات مورد بحث بوده است (پژوهشگر تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵: ص ۲۹). این فرهنگ‌نامه به زبان فارسی و با قلمی روان تدوین شده و در نوع خود اثری مفید و خدمتی بزرگ به جامعه و فرهنگ اسلامی است؛ در عین حال نقص‌های جزئی دارد که بایسته است در چاپ‌های بعدی برطرف شوند.

#### الف) مداخل‌ها

۱. عدم جامعیت مداخل: به نظر می‌رسد ملاکی برای گزینش مداخل‌ها وجود نداشته است و اگر وجود داشته، می‌بایست در مقدمه به آن اشاره می‌شد. اگرچه احتمالاً تصمیم پدیدآورندگان محترم فرهنگ‌نامه این بوده است که به همه اصطلاحات و موضوعات علم کلام پرداخته نشود و مداخل‌های موجود از میان موضوعات کلامی گزینش شوند و به آنچه در این زمان ضروری است، اکتفا شود، به نظر می‌رسد جای مداخل‌های بسیاری که نسبت به برخی از مداخل‌های موجود ضروری‌ترند، در این فرهنگ‌نامه خالی است، مانند: آدم؛ آزادی، آفرینش، آلام، ظهور، نبوت، اتحاد، عصمت، انبیا علیهم‌السلام، ثواب، جبر و اختیار، ارهاص، ازلیت، اسلام ابوطالب، اسمای الهی و بعضی از مصادیق آن، اصول عقاید، اعراض، غرض یا هدف خلقت، الهام، تکلیف، امر به معروف و نهی از منکر، تبرک و بعضی از اقسام آن، تحریف، ترک اولی، تعیین امام، حکومت امام مهدی علیه‌السلام شرک، شیطان، عصمت امامان علیهم‌السلام، گناه و بعضی از اقسام آن، سعادت، سكرات مرگ، شقاوت، نص، محاربین علی علیه‌السلام، محاسبه یا حساب اعمال.

۲. رعایت‌نشدن کامل سیستم ارجاع: مداخل‌هایی وجود دارند که می‌شد به مداخل‌های اصلی ارجاع داده شوند؛ چنان‌که در مواردی این ارجاعات به خوبی اعمال شده است. بعضی از مداخل‌های قابل ارجاع عبارت‌اند از: آثار ایمان، ارکان ایمان، عوامل ایمان،



مراتب ایمان و متعلقات ایمان که می‌شد همه را ذیل ایمان گنجانند یا ابزار شناخت و اقسام شناخت و نسبیّت معرفت را به شناخت و دام‌های شیطان، راه‌های مقابله با شیطان و لشکریان شیطان را به شیطان و سیمای حضرت مهدی علیه السلام را با امام مهدی علیه السلام و شبهات عدل را به عدل الهی ارجاع داد.

همچنین شایسته بود برخی مدخل‌های ارجاعی به مدخل مناسب خود ارجاع داده می‌شدند و آنجا اشاره‌ای به آنها می‌شد؛ مانند «مجسمه» که به نفی رؤیت خدا و نفی جهت ارجاع شده است و حال آنکه نفی جسمانیت خدا نیز وجود دارد و سزاوار این بود که به آن ارجاع داده می‌شد. «آیین حنیف» به فطرت ارجاع شده، اما به دین حنیف ارجاع نشده است. همچنین لازم بود «اباحیه» به «اباحیگری»، «چیستی دین» به «دین»، «حقیقت محمدیه» به «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله»، و «انسان در اسلام» به «انسان» ارجاع می‌شد؛ البته جای مدخلی به نام انسان نیز خالی است.

۳. اصولاً در مدخل‌بودن بعضی از عناوین تردید وجود دارد؛ اگرچه بعضی از آنها به مدخل‌های دیگر ارجاع داده شده‌اند، مانند دیدار با امام مهدی در ادعیه و زیارات، دیدار با... غیبت صغری، دیدار با... در غیبت کبری، طبقه‌بندی مذاهب اسلامی، کتب ویژه آیات مهدویت، خوارج در کلام امام علی، نمودهای عدل تشریحی، نقد عقاید وهابیت و مهدویت در قرآن و وظایف شیعه در عصر غیبت. این مدخل‌ها بیشتر به نمایه می‌مانند تا اصطلاح.

۴. تعداد زیادی اصطلاحات منطقی و فلسفی در این فرهنگ‌نامه وارد شده که اگرچه از کتاب‌های کلامی استخراج شده‌اند، بیشتر آنها از بخش «امور عامه» این منابع گزینش شده‌اند و می‌دانیم که این بخش شامل مباحث فلسفی از وجود و عوارض آن تا جواهر و اعراض می‌شود. برخی از اصطلاحات این دو حوزه علمی عبارت‌اند از: استقراء، استقرای تام و ناقص، ان یفعل، ان ینفعل، تقابل و انواع آن، جوهر و اقسام آن، حرکت و اقسام آن که حدود ۲۰ قسم است، سکون و اقسام آن، عرض و انواع آن، فصل تام و ناقص، فلسفه، قضایا الی قیاساتها معها، قوه فعلی و قوه انفعالی، کل، کلی و اقسام آن، کم و اقسام آن، کیف و اقسام آن، لاقوه، ماهیت و اقسام آن که حدود ۱۴ قسم است، متی، متداخلان، متساویان، متضایفان، متضادان، متداخلان، مختلفان، مشهورات عامه و خاصه، مقولات عشر

و... به نظر می‌رسد لزومی نداشت این اصطلاحات در این فرهنگ آورده شوند، مگر آنکه عنوان کتاب به گونه‌ای می‌بود که شامل اصطلاحات فلسفی نیز بشود.

#### ب) شناسه‌ها

۱. در اینکه کدام مدخل به شناسه نیاز دارد، سلیقه‌ای عمل شده است؛ چراکه مدخل‌هایی وجود دارد که از جهت لزوم شناسه با مدخل‌های شناسه‌دار برابری می‌کنند، ولی بدون شناسه‌اند، مانند ابلیس، امامیه، آخرت، بعثت، تکثرقرائت دینی، جهانی شدن، خاتمیت، شیعه، هدایت تشریحی.

۲. در مواردی شناسه‌ها صرفاً معنای لغوی مدخل‌ها هستند؛ مانند: سمیع، بصیر، شوری، ضلالت، جن، فرشتگان.

۳. در مواردی شناسه‌ها دقیق نیستند؛ برای مثال در حی که با توجه به مطالب ذیل آن، صفت الهی از آن اراده شده است، شناسه‌اش معنای عامی است که شامل هر موجود زنده صاحب اراده می‌شود یا شناسه قاعده لطف، در واقع شناسه اصطلاح لطف است. لطف و قاعده لطف مفهوماً با هم متفاوت‌اند.

۴. آنچه رایج است این است که شناسه‌ها به صورت جمله فعلیه نمی‌آیند و در مقدمه کتاب نیز به این نکته اشاره شده است. این شیوه گاه در این فرهنگ‌نامه مغفول واقع شده است؛ مانند «دین حنیف» که شناسه آن به صورت جمله فعلیه است.

#### ج) بدنه مقالات

محتوای علمی مقالات عموماً خوب و صحیح و استوار است؛ اما به تعدادی از لغزش‌ها یا کاستی‌هایی که در آنها به صورت اتفاقی دیده شد، اشاره می‌شود.

۱. حشر: گفته شده از نام‌های قیامت است، که درست نیست و آن که از نام‌های قیامت است، یوم الحشر است و حشر را می‌توان یکی از احوال یا منازل قیامت خواند.

۲. مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن، اعجاز و تحدی به‌عنوان دو ویژگی قرآن آمده است (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵: ص ۳۷۸) که باید گفت تحدی از مقومات اعجاز است و خود ویژگی جداگانه‌ای نیست.

۳. ذیل مدخل «آفرینش انسان» درباره تاریخ آفرینش انسان آمده است: «برخی عمر بشر را هفت هزار سال تخمین زده‌اند. اگرچه گاه بقایایی از استخوان‌های انسان کشف می‌شود که قدمت آن به صدها هزار سال پیش می‌رسد، اما ممکن است از آن انسان کنونی نباشند و به نسلی که پیش از آدم و حوّا می‌زیسته‌اند مربوط شوند» (همان: ص ۲۴). بهتر بود نخست زمینه ورود به این مطلب با این عبارت فراهم می‌شد: انسان و بشر را می‌توان بر اساس یافته‌های زیست‌شناسان به دو دسته تقسیم کرد: انسان‌هایی که از نسل حضرت آدم علیه السلام هستند و هنوز نیز این نسل به حیات خود ادامه می‌دهد و انسان‌هایی که پیش از آدم علیه السلام می‌زیسته‌اند و نسل آنها منقرض شده است.

۴. ذیل مدخل «اراده الهی» گفته شده است: «اراده در حقیقت به صفت علم برمی‌گردد» (همان: ص ۶۸). در باب اراده الهی به لحاظ‌های گوناگون، مسائل مختلفی مطرح شده است؛ مانند اینکه آیا اراده صفت فعلی الهی است یا ذاتی؟ اگر ذاتی باشد به چه معنا است و اگر فعلی باشد چگونه توجیه می‌شود. گروهی از اندیشمندان و متکلمان شیعه اراده را صفت ذات و دسته‌ای صفت فعل دانسته‌اند. آنان که صفت ذات می‌دانند، آن را به صفت علم ارجاع داده‌اند. در این مقاله هیچ اشاره‌ای به نظرهای بالا نشده و بدون مقدمه گفته شده است اراده به صفت علم باز می‌گردد.

۵. همچنین در ادامه توضیح اراده الهی گفته شده است: «بدین سان، اراده خداوند به دو معنا باز می‌گردد: یکی علم که یعنی آفرینش و دیگری امر که یعنی تکلیف». علم به معنای آفرینش نیست. اگرچه به محض آنکه اراده فعلی الهی به چیزی تعلق بگیرد، در پی آن ایجاد و آفرینش محقق می‌شود، اراده و آفرینش مفهوماً دو چیزند؛ البته ممکن است مقصود علم به آفرینش باشد و اشتباه تایی رخ داده است.

##### ۵. دانشنامه کلام اسلامی

دانشنامه کلام اسلامی تألیف جمعی از استادان و محققان حوزه علمیه است که به پیشنهاد آیت‌الله سبحانی و تحت نظارت ایشان در حال نگارش است. مدیریت این دانشنامه را جناب آقای ربانی گلپایگانی عهده‌دار است و نخستین جلد آن در سال ۱۳۸۷ ش منتشر شده است. این جلد ۱۰۲ مدخل دارد و از «آجال» شروع شده و با مدخل «ایمان نیاکان

پیامبر ﷺ» پایان یافته است. مدخل‌ها به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده‌اند. آیت‌الله سبحانی در مقدمه این دانشنامه با عنوان «پیشینه دانشنامه‌نویسی و دانشنامه کلام اسلامی» می‌نویسد: «تا آنجا که ما اطلاع داریم در جهان اسلام دانشنامه‌ای که به علم کلام اختصاص داشته باشد، تدوین نشده است. از طرفی گسترده‌گی مباحث کلامی از یک سو و فراهم‌نبودن فرصت و مجال کافی برای بسیاری از کسانی که علاقمند به آگاهی مسائل کلامی‌اند از سوی دیگر، نگارش دانشنامه‌ای را در این باره ضروری می‌سازد، به‌ویژه آنکه در جهان معاصر مسائل جدید کلامی بسیاری نیز بر مسائل قدیمی افزوده شده است.... اقدام به نگارش دانشنامه تخصصی کلام اسلامی پاسخی است به این نیاز مبرم فرهنگی و دینی عصر حاضر» (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۷ش، ج ۱: ص ۹).

#### ملاحظات

به حق می‌توان گفت جای چنین دانشنامه‌ای در جهان اسلام خالی بود و از این رو بسی خرسندی است که این مهم به همت آیت‌الله سبحانی (دام عزه) و استادان و محققان فرهیخته حوزه علمیه در حال انجام است. امید است که نظارت و راهنمایی‌های ایشان تا پایان آخرین جلد آن به‌خوبی ادامه یابد.

با مروری بر جلد نخست این دانشنامه کاستی‌هایی به نظر رسید که در ادامه به آنها اشاره می‌شود تا پس از ملاحظه آنها، چنانچه از نظر شورای علمی دانشنامه واقعیت داشته باشد، سعی در جلوگیری از تکرار آنها در جلد‌های بعدی نمایند.

#### الف) کاستی‌های شکلی

۱. فقدان شماره صفحه برای مدخل‌ها: بهتر بود برای پیدا کردن سریع مدخل مورد نظر، علاوه بر شماره مدخل، شماره صفحه آن نیز افزوده می‌شد؛ چنان‌که در فهرست سوره‌های قرآن معمولاً هم شماره سوره و هم صفحه شروع سوره می‌آید.
۲. عدم رعایت ترتیب مطالب: در مواردی پس از ذکر مطالبی، به معنای لغوی اصطلاح اشاره شده است، مانند استدراج؛ درحالی‌که عرف رایج در فرهنگ‌نامه‌هایی که معنای لغوی اصطلاح را بیان می‌کنند، این است که پیش از هر مطلبی تعریف لغوی آورده شود.

۳. ناهماهنگی در ارجاعات: برای مثال آجال که جمع است به‌عنوان مدخل آمده است؛ ولی در آلام که جمع الم است، مفرد آن یعنی «الم» مدخل قرار گرفته است. شایسته بود در زمینه‌های گزینش مدخل‌ها به «اصطلاح‌نامه کلام اسلامی» از انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی مراجعه می‌شد؛ چه اینکه در این اصطلاح‌نامه از میان اصطلاحات مترادف، اصطلاح مرجح که در این علم رواج بیشتری دارد از اصطلاحات غیرمرجح مشخص شده است.

#### ب) شناسه‌ها

۱. فقدان شناسه برای بعضی مداخل: برخی از مدخل‌ها شناسه ندارند؛ مانند آخرت، ابلیس، ادریس، ارتداد و اضلال الهی. اینکه به چه ملاکی این مدخل‌ها شناسه ندارند، معلوم نیست.

۲. نقص در شناسه‌ها: در مواردی مانند ابداع، احد و ادراک الهی در شناسه آمده است: «به معنای ...»؛ برای مثال در شناسه ادراک الهی چنین آمده است: «یکی از صفات خداوند و به معنای آگاهی و احاطه الهی نسبت به همه موجودات» (همان: ص ۲۰۹). با آوردن این کلمه لازم است فعل جمله نیز آورده شود که در شناسه مرسوم نیست. بهتر بود این کلمه در شناسه‌ها آورده نشود. در مواردی نیز عبارت شناسه‌ای به صورت جمله فعلیه آمده است؛ مانند احباط و تکفیر، اسماعیلیه و الم.

۳. در مواردی شناسه‌ها به متن اصلی چسبیده و فاصله‌ای بین آنها وجود ندارد، مانند شناسه مدخل‌های احد، احیا، اسرافیل، اسم اعظم و الم.

#### ج) مدخل‌ها

از آنجا که هر یک از مقالات دانشنامه حاوی مطالب زیادی است، بهتر بود مدخل‌های فرعی بیشتری آورده می‌شد و به مدخل‌های اصلی ارجاع داده می‌شد؛ چنان‌که به اجل و افطحیه چند مورد ارجاع شده یا حتی مدخلی به نام «ابوالوری» که شاید اصلاً وجودش لزومی نداشت به آدم عليه السلام ارجاع داده شده است؛ اگرچه «ابومحمد» نیز که یکی دیگر از کنیه‌های آدم عليه السلام است، به آن ارجاع نشده است. حال آنکه مدخل‌های کلامی

فراوانی وجود دارند که اطلاعات خوبی درباره آنها می‌توان یافت و مدخل‌ها را به آنها ارجاع داد. باز در این زمینه نیز خوب بود از «اصطلاح‌نامه کلام اسلامی» استفاده می‌شد.

#### د) محتوای مقالات

در محتوای برخی مقالات اشکالات جزئی وجود دارد که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

۱. برای اهل آخرت ویژگی‌هایی برشمرده شده که یکی از آنها «رابطه صمیمی بهشتیان» است (همان: ص ۳۴). بهتر بود این ویژگی در اینجا ذکر نمی‌شد؛ چون مخصوص بهشتیان است و اهل آخرت شامل هر دو گروه بهشتیان و دوزخیان می‌شود، مگر اینکه موارد متعدد دیگری از این دست، هم برای بهشتیان و هم برای اهل جهنم وجود دارد که باید ذکر می‌شد؛ بنابراین ویژگی یادشده یا باید حذف شود یا اینکه «تفرق میان دوزخیان» نیز به آن اضافه شود.

۲. گفته شده است افعال بر دو قسم‌اند: افعالی که مقذور انسان‌اند و افعال غیرمقدور. سپس برای افعال غیرمقدور نمونه‌هایی مانند جواهر، رنگ‌ها، بوها، گرمی و سردی ذکر شده است (همان: ص ۳۸۳). درست است که منبع مورد استناد نویسنده محترم، این موارد را جزو افعال غیرمقدور انسان برشمرده است، اما اینجا لازم بود در ترجمه به این امور فعل یا ایجاد را اضافه می‌کرد (ایجاد جواهر و رنگ و بو)؛ چه اینکه در عرف به جواهر، رنگ و بو و مانند آن فعل گفته نمی‌شود.

۳. در تعریف اصطلاحی «الم» گفته شده است: امری است که موجود زنده آن را احساس می‌کند و در پی آن طبعش از آن گریزان و متنفر می‌شود (همان: ص ۴۰۲). آیا در کسی که در امر لذیذی افراط می‌کند و سپس بر اثر افراط، از آن متنفر می‌شود، الم پدید می‌آید؟ به نظر می‌رسد با توجه به منابع مورد استناد که در یکی عبارت چنین آمده است: «الأمر الذی يتألم به الحی و یدرکه مع نفاط طبعه عنه» (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق: ص ۱۴۱) و در دیگری این چنین است: «الألم إدراک المنافی من حیث هو مناف» (لاهیجی، ۱۳۸۳ش: ص ۶۱۴) ترجمه دقیق نیست و بهتر بود چنین گفته شود: امری است که با وجود آن شخص

احساس درد می‌کند و از آن متنفر است؛ به عبارت دیگر احساس درد و هر آنچه که موجود زنده از آن تنفر دارد.

۴. در مواردی مطالب بدون سند است، مانند: «آنچه از روایات استفاده می‌شود خداوند اسم اعظم را...» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۲۶۱). در اینجا فقط گفته شده آنچه از روایات استفاده می‌شود، بدون اینکه حتی یک روایت به‌عنوان شاهد آورده شود.

۵. درباره مدخل «اشعریه» اشاره به دو نکته لازم است. یکم: بهتر بود از میان اشاعره و اشعری، اشاعره به‌عنوان مدخل گزینش می‌شد؛ چه اینکه اصطلاح اشاعره بسیار رایج‌تر از اشعریه است. دوم: این مقاله بدون هیچ مقدمه‌ای با این تیتیر شروع شده است: «زندگی و شخصیت اشعری» (همان: ص ۲۹۳). محور اصلی در این مقاله ابوالحسن اشعری است و بیشتر حجم مقاله را شرح زندگانی، دیدگاه‌های کلامی و آثار وی فرا گرفته است. اشعریه یا اشاعره یک مذهب کلامی است و باید محتوای مقاله درباره این مکتب می‌بود، نه شخص اشعری. بر این اساس در حقیقت مدخل اصلی این مقاله «ابوالحسن اشعری» است، نه اشعریه یا اشاعره؛ البته چون بنیان‌گذار این مکتب ابوالحسن اشعری است، شایسته است به‌صورت مختصر از احوال و آثار و عقاید وی نیز یاد شود.

۶. در مدخل «الالهیات (تئولوژی)» گفته شده است: واژه الهیات به علمی که درباره خدا و درباره شالوده ایمان دینی بحث می‌کند، تعریف شده است (فرهنگ اکسفورد، واژه thelogy). سپس در چند سطر درباره ریشه «theology» بحث شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۳۹۳). از آن رو که «الهیات» واژه عربی است، بهتر بود نخست خود این واژه تحلیل می‌شد و معنای آن از منابع اسلامی و کلامی آورده می‌شد؛ سپس به معادل آن در زبان لاتین اشاره می‌شد.

۷. در مواردی بدون مقدمه و اشاره به ارتباط یک اصطلاح با مدخل مورد نظر درباره آن اصطلاح بحث شده است؛ برای مثال در مدخل «الله»، بحث چنین شروع شده است: واژه «الله» در قرآن کریم ۲۶۹۷ بار و واژه «اله» به اشکال مختلف ۱۴۷ بار و کلمه «اللهم» ۵ مرتبه در قرآن به کار رفته است (همان: ص ۴۰۱). لازم بود نخست به رابطه «اله» و «اللهم» با الله اشاره می‌شد و سپس این مطالب می‌آمد. ضمناً کلمه قرآن در این عبارت دو بار آمده که یکی از آنها اضافی است.

۸. ذیل مدخل «استدراج» عبارت این چنین آمده است: «این اصطلاح در قرآن با نام‌های دیگری چون مکر «ومکروا ومکرالله» (آل عمران: ۵۴؛ الکشاف، ج ۲: ص ۱۰۶؛ الفروق اللغویه: ص ۲۱۳...) به کار رفته است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ص ۲۳۷). به نظر می‌رسد ذکر منابعی مانند کشاف و الفروق اللغویه در ردیف آدرس آیه قرآن صحیح نیست.

#### ه) اشکال‌های تاییبی

در این دانشنامه اشکال‌های تاییبی هم دیده می‌شود؛ مانند ابن ابوالحدید (همان: ص ۴۰۲) که صحیحش ابن ابی‌الحدید است و معقولات عشر (همان: ص ۴۰۳) به جای مقولات عشر و یک‌طرفه (همان: ص ۲۵۴) به جای یک‌طرفه آمده است. همچنین در مواردی به جای «ی»، «و» به کار رفته است، مانند «دست یابو» (همان: صص ۲۲۴ و ۲۵۳)، «عقابو» (همان: ص ۲۲۵)، «حسابو» (همان: ص ۲۲۶) «بابو» (همان: صص ۳۱۱ و ۳۹۶) که صحیح آنها «دستیابی»، «عقابی»، «حسابی» و «بابی» است.

#### و) اشکال‌های ویراستاری

در مواردی نیز که می‌توان گفت تعداد آنها فراوان است، علایم ویراستاری یا به کار نرفته‌اند یا قواعد به کارگیری آنها رعایت نشده است، مانند نقطه، ویرگول و نقطه‌ویرگول. در مجموع می‌توان گفت این دانشنامه به یک ویراستاری اساسی ادبی نیازمند است.

از آنجا که این دانشنامه تحت نظارت شخصیتی چون آیت‌الله سبحانی (دام ظلّه) و مدیریت استاد فرهیخته جناب آقای ربانی گلپایگانی (زید عزه) در دست انجام است و از جمله آثار کلامی‌ای است که حاوی اطلاعات بسیار مفید در زمینه علم کلام اسلامی است و امید است که جزو منابع مرجع کلامی مهم و ماندگار باشد و پیاپی تجدید چاپ شود، لازم است به کوچک‌ترین کاستی‌های آن چه از حیث شکل و چه از حیث محتوا حساسیت بیشتری نشان داد و در رفع آنها تلاش کرد و از تکرار آنها در جلد‌های بعدی جلوگیری کرد.



### معرفی فرهنگ‌نامه کلام اسلامی (مراحل پایانی تدوین)

در پایان شایسته است به فرهنگ‌نامه‌ای اشاره کنیم که مراحل پایانی تدوین آن در دست انجام است.

۱. این فرهنگ‌نامه که در یکی از پژوهشکده‌های پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی (پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی) در حال تدوین است، با مراجعه به بیش از ۴۰۰ منبع از منابع شیعه و سنی از سده‌های نخستین اسلام تا زمان معاصر دامنه وسیعی از مفاهیم این علم را منعکس می‌کند. در این اثر سعی شده است مطالب ذیل مدخل‌های اصلی در قالب مقاله‌های کوتاه و فشرده ارائه گردند؛ اما در مواردی به اقتضای اهمیت مدخل و اطلاعات گوناگون و مهم درباره آن، گاه حجم مقاله کمی بیشتر از حد معمول است. از آنجا که اصطلاح‌نامه مسائل جدید کلامی (کلام جدید) در شرف انتشار است، بنا شد به مدخل‌های این بخش از کلام در این فرهنگ‌نامه پرداخته نشود و اگر صلاح بود در آینده به طور مستقل فرهنگ‌نامه آن بر پایه اصطلاح‌نامه کلام جدید تدوین گردد.

۲. از آنجا که گزینش مداخل این فرهنگ‌نامه بر پایه اصطلاح‌نامه کلام اسلامی (از آثار منتشر شده همین پژوهشکده) است، تمام موضوعات در حوزه مورد نظر را پوشش خواهد داد و تنظیم آن بر اساس حروف الفبا خواهد بود.

۳. این فرهنگ‌نامه، مرجع تخصصی است و از نظر سطح به گونه‌ای است که هم طلاب و دانشجویان مبتدی، هم محققان و هم متخصصان و دانشمندان کلام می‌توانند از مطالب آن استفاده کنند.

۴. مدخل‌یابی این فرهنگ‌نامه از میان بیش از ۱۴۰۰۰ اصطلاح کلامی صورت گرفته و با استفاده از نظام ارجاع مترادف و شبه‌مترادف و در مواردی ارجاع خاص به عام، موجب وسعت و تفصیل موضوعات شده است.

۵. وسعت مدخل‌ها و ارجاعات در این فرهنگ‌نامه به حدی است که به جرئت می‌توان گفت کمتر اصطلاح کلامی را می‌توان یافت که در این فرهنگ‌نامه اطلاعاتی درباره آن فراهم نشده باشد.

۶. تلاش تدوین‌کنندگان این اثر که متشکل از استادان، محققان، مشاوران و کارشناسان فن است، استناد به منابع دست اول، داشتن متن ساده و روان، زبان گزارشی، استنادات

درون‌متنی، تاریخ‌بندی‌بودن، روشنی مطالب و کوتاهی عبارات است. از آنجا که این فرهنگ‌نامه هنوز چاپ نشده است، نمی‌توان آن را ارزیابی کرد؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به تجربه‌ای که از فرهنگ‌نامه‌های علوم قرآنی و اصول فقه - از آثار همین پژوهشگر - در دست است و خوشبختانه مورد استقبال فراوان اهل علم قرار گرفته، امید است که این فرهنگ‌نامه از جهات مختلف بهتر و کامل‌تر باشد. به طور قطع پدیدآورندگان این اثر از ارزیابی و بررسی همه‌جانبه آن استقبال خواهند کرد.

۷. تاکنون کار تدوین مقالات بخشی از مدخل‌ها به پایان رسیده و در پایگاه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی بارگزاری شده است.

#### نتیجه‌گیری

سخن پایانی اینکه وجود فرهنگ‌نامه و دانشنامه در زمینه‌های مختلف علمی برای هر جامعه‌ای، به سبب تأثیر فراوان آنها در افزایش اطلاعات عمومی و تخصصی افراد جامعه اهمیت بسزایی دارد؛ از این رو مناسب است مراکز و مؤسسات دانشنامه‌نگاری و حتی کسانی که به صورت شخصی به تدوین دانشنامه اقدام می‌کنند، در تدوین این گونه آثار مرجع، در تهیه یک شیوه‌نامه جامع و کامل و استاندارد که همه نویسندگان و تهیه‌کنندگان این آثار خود را موظف به رعایت آن بدانند، بکوشند تا مراجعان و پژوهندگان به آسانی و بدون اتلاف وقت، به پاسخ پرسش‌های خود دست یابند. پرواضح است که فرهنگ‌نامه‌های استاندارد مرتبط با حوزه دین و عقاید دینی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

### کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹ش)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چ ۱، تهران: نشرنی.
۳. احمدی گیوی، حسین (۱۳۷۳ش)، آیین پژوهش و مرجع‌نگاری، تهران: مؤسسه نشر هما.
۴. انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ، تهران: انتشارات سخن.
۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۵ش)، فرهنگ شیعه، چ ۱، قم: زمزم هدایت.
۶. جerald جهودا، جودیت شیک براوانکل (۱۳۸۳ش)، مبانی مرجع، فنون پرسش‌کاوی و پاسخ‌یابی از منابع کتابخانه، ترجمه: محمدحسین دیانی و عبدالحمید معرف‌زاده، چ ۳، مشهد: به نشر (آستان قدس رضوی).
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵ش)، دائرةالمعارف تشیع، چ ۳، تهران: نشر شهید سعید محبی.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ش)، دانشنامه کلام اسلامی، چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، شرح المصطلحات الکلامیة، چ ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۰. جمعی از متخصصین (۱۴۲۸ق)، با اشراف احمد ابوحافه، معجم النفاثس الکبیر، بیروت: دار النفایس.
۱۱. سلطانی، پوری و فروردین راستین (۱۳۸۱ش)، دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، چ ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۲. حیم، سلیمان (۱۳۸۷ش)، فرهنگ معاصر بزرگ دوسویه، انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی، چ ۱، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۳. خاتمی، احمد (۱۳۷۰) فرهنگ علم کلام، تهران، انتشارات صبا.
۱۴. خواجه طوسی، نصیرالدین (۱۴۰۵ق)، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، چ ۲، بیروت: دار الأضواء.

۱۵. سمیح دغیم (۱۹۹۸م)، موسوعة مصطلحات علم الکلام الاسلامی، چ ۱، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد، چ ۱، بیروت: دارالاضواء.
۱۷. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، شرح هداية الاثريه، بیروت: نشر مؤسسة التاريخ العربی.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۸۳ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. کتس، ویلیام ا. (۱۳۸۴ش)، کتابخانه‌های الکترونیکی ایران و کتاب‌داران مرجع، ترجمه: محسن عزیزی، تهران: نشر کتابدار.
۲۰. لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳ش)، گوهر مراد، چ ۱، تهران: نشر سایه.
۲۱. محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۷۶ش)، فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. وزیرپور کشمیری، مهرداد (۱۳۸۶)، مرجع‌شناسی عمومی لاتین، تهران: نشر کتابدار.
۲۳. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۷۵ش)، درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

## رؤية تطبيقية إلى كتب دائرة المعارف التخصصية الكلامية، نقاط الضعف والقوة

السيد أيوب هاشمي سي سخت\*

عنايت شريفى\*\*

### الخلاصة

بما أن كمية المعلومات البشرية في المجالات المختلفة ازدادت ولحصول الباحثين إلى معلومات نافعة وكافية في مدة قصيرة في أي مجال واجهوا مشكلة. تأليف «المصادر المراجع» كالمعاجم والموسوعات بمثابة حيلولة أساسية للبشر لحل المشكلة. يسعى الكاتب في هذا المقال أن يقوم بدراسة أبرز المعاجم والموسوعات وتقييمها وتم تأليفها في فترة خلال عام ١٩٩١ حتى ٢٠٠٨ م في مجال الكلام الإسلامي وكانت بين يدي الباحثين. قبل أن نخوض بتقييم هذه الكتب ومنها معاجم اللغات والمصطلحات والموسوعات العلمية، نبيّن لكم باختصار بعض اختلافات هذه المصادر وفوائدها ودورها في رقي العلم البشري وشم تقوم بأساس البحث أي تقييم المعاجم والموسوعات الكلامية ونذكر بعض نقاط ضعفها وقوتها. هذه المصادر باللغتين العربية والفارسية خمسة. وقد أشرنا إلى مميزات كتاب مرجع من المصادر الكلامية الذي سيرى النور قريباً ويثري المكتبة الإسلامية.

### الكلمات المفتاحية

مصادر مرجعية، معاجم لغة، معاجم مصطلحات، موسوعات تخصصية، موسوعات الكلام الإسلامي.

\* الباحث والاختصاصي في الموسوعة، معهد أبحاث إدارة المعلومات والمستندات الإسلامية (الكاتب) sa.hashemi@isca.ac.ir  
\*\* عضو الهيئة التدريسية و رئيس قسم المعارف الإسلامية في جامعة العلامة الطباطبائي enayatsharifi@yahoo.com